

در وضعیت «تصویب‌شده ولی بی اثر» باقی مانده است؛ یعنی در رده سند‌های سیاستی آرشویی، نظام‌نامه مرکز، تلاشی قابل تقدیر برای تفکیک وظایف بود، برای مثال بانک مرکزی مسئول رم‌پول (CBDC) و خدمات پرداخت است، سازمان بورس مسئول توکن‌های اوراق بهادار (Security Tokens) و وزارت صمت متولی استخراج و مجوزدهی سخت‌افزاری است. همچنین وزارت اقتصاد مسئول چارچوب مالیاتی و تسویه مبادلات است و ما متولی و مسئول زیرساخت فناوری، داده و احراز هویت دیجیتال، خودمرکز ملی فضای مجازی را هم هماهنگ‌کننده و ناظر نهایی سیاست‌ها پیش‌بینی کرده بودند، اما مشکل این بود که در این سند، هیچ مکانیسم اجرایی و بودجه‌ای برای پیگیری این وظایف تعریف نشده بود، همه چیز در حد تیترو واگذاری مسئولیت‌های کلی باقی ماند.

سه نقطه قوت قابل ذکر این نظام‌نامه، نگاه چندبعدی به رم‌زارها، تلاش برای جلوگیری از تمرکزگرایی و ارائه چارچوب اولیه حکمرانی داده بود که نسبت به اسناد مشابه یک گام جلوتر بود. اما ضعف‌های این سند، جدی و اثرگذار بودند. مثلاً هیچ سازوکار نظارتی، جریمه یا تشویقی برای عدم اجرای بده‌ها در نظر گرفته نشده بود. علاوه بر این، بسیاری از وظایف با آیین‌نامه‌های بانک مرکزی و دولت در تعارض یا تکرار بودند و مشخص نبود اگر دو نهاد اختلاف داشته باشند، چه نهادی مرجع تصمیم‌گیری است؟ مرکز ملی فضای مجازی، علی‌رغم نقش ناظر، فاقد ابزار اعمال قدرت اجرایی بود.

ما به این نتیجه رسیده‌ایم که نظام‌نامه باید به یک سند حاکمیتی اجرایی با ضمانت اجرا ارتقاء یابد. باید کارگروه اقتصاد دیجیتال، همگرایی ایجاد کند و هر دستگاه باید سالانه گزارش عملکرد خود در حوزه رم‌زارها را منتشر و به مجلس، مرکز ملی فضای مجازی و دیوان محاسبات ارائه دهد.

نظام‌نامه مرکز ملی فضای مجازی، اگر چه گامی اولیه در مسیر حکمرانی چندرکنه و مشارکتی بود، اما بدون ضمانت اجرا، سازوکار پایش و اجماع نهادی، نتوانست از مرز کاغذ فراتر برود. در معاونت سیاست‌گذاری توسعه اقتصاد دیجیتال ما معتقدیم، حکمرانی رم‌زارها باید در قالب یک چارچوب نهادی مستقل، چندرکنه با ساختار شفاف و قابل ارزیابی بازطراحی شود. ما آماده‌ایم با همه نهادهای مرتبط از جمله مرکز ملی فضای مجازی، برای طراحی این نظام پایدار همکاری کنیم.

❖درحالی‌که در کشورهای منطقه با سیاست‌گذاری توسعه‌محور، زمینه حضور و رشد کسب‌وکارهای حوزه بلاکچین و رم‌زارها فراهم شده، به‌نظر می‌رسد در کشور ما پس از گذشتن سال‌ها از فعالیت کسب‌وکارهای این حوزه، هنوز در مراحل ابتدایی سیاست‌گذاری قرار داریم و این می‌تواند عامل عقب‌ماندگی و سوختن فرصت‌ها باشد. آیا در معاونت تحت امر شما، برنامه‌ای برای سرعت‌بخشی به تدوین یک سیاست‌گذاری توسعه‌محور وجود دارد؟ چه برنامه‌هایی؟ آیا تصمیمی درخصوص مشورت‌گرفتن از بخش خصوصی در این زمینه دارید؟
حقیقت این است که ما این دغدغه را کاملاً درک می‌کنیم. امروز رم‌زارز و فناوری بلاک چین، نه یک فرصت فناوریانه صرف، بلکه یک میدان رقابت ژئواکونومیک است. اگر نگاهی به همسایگان خود بیاندازیم، خواهیم دید که امارات‌متحده عربی با تأسیس مرکز بین‌المللی دارایی‌های مجازی (VARA) در دوبی، بستری امن و باثبات برای رم‌زارزها فراهم کرده است. عربستان سعودی در چشم‌انداز ۲۰۳۰ خود، فناوری‌های مبتنی بر بلاک‌چین را به‌عنوان رکن تحول دیجیتال معرفی کرده است. ترکیه علی‌رغم چالش‌های پولی، با نهادسازی و وضع مقررات گام‌به‌گام، اکوسیستم رم‌زارز را مشروطیت‌بخشی کرده است. درحالی‌که در ایران ما هنوز درگیر تداخل نهادی، رویکردهای امنیت‌محور و فقدان نقشه راه توسعه‌محور هستیم. ما سه مسیر موازی برای اصلاح وضعیت موجود و سرعت‌بخشی به سیاست‌گذاری توسعه‌محور در دستور کار داریم. باید مجوزدهی و پیش‌بینی‌پذیری محیط کسب‌وکار را تسهیل کنیم. عدم تحمیل معماری خاص به نوآوران هم، یک عنصر حیاتی دیگر است. تفکیک تنظیم‌گری رم‌پول، رم‌زارز غیرمتمرکز، استیبل‌کوین‌ها و توکن‌های کاربردی هم یک ضرورت است. علاوه بر این، باید محیط تست کنترل‌شده برای شرکت‌های نوآور ایجاد و ذخیره دارایی‌های آنها را به‌صورت پیوست‌رصد کرد.

معاونت حقوقی ریاست‌جمهوری هم تلاشی ارزشمندبرای تشکیل یک ساختار مشارکتی با حضور نمایندگان صرافی‌های رم‌زاری داخلی، کارشناسان حقوقی و اقتصادی مستقل، استارت‌آپ‌های فعال در حوزه بلاک چین و توکنایزیشن، مراکزین و نهادهای ناظر ICT، دانشگاه‌ها و مراکز نوآوری، بانک مرکزی و نهادهای ناظر کرده است. هدف این معاونت از این کارگروه، سیاست‌سازی از دل زیست‌بوم است، نه برای زیست‌بوم بدون حضورش. اصل ما این است: آنچه بدون مشورت همه ذی‌نفعان نوشته شود، اجرایی نخواهد شد. چنین زیرساختی می‌تواند هم اعتماد عمومی را بازسازی کند، هم‌نگرانی‌های حاکمیتی را کاهش دهد. ما به‌عنوان سیاست‌گذار اعتراف می‌کنیم که در گذشته کند، پرتردید و محافظه‌کار عمل شده است. اما اکنون راهی جز شتاب در سیاست‌گذاری توسعه‌محور، مشارکتی و نوآورانه وجود ندارد. اصلی که مقام عالی وزارت به تأسی از رهبر انقلاب دنبال کرده‌اند و ما خود را متعهد می‌دانیم، این است که با صراحت از بخش خصوصی مشورت بگیریم، با مسئولیت از حقوق کاربران دفاع کنیم و با شجاعت در برابر تنظیم‌گری بخشی غیرمنطقی و غیرعلمی ضدپیشرفت بایستیم. این تحول، فقط با صدای بلند بخش خصوصی ممکن است و ما در وزارت ارتباطات، گوش شنوایم.

ما با سه اشکال بنیادین در این تصمیم مواجه‌ایم. اول اینکه بانک مرکزی به استناد مقررات داخلی خود، از سکوهای تبادل رم‌زارز خواسته اطلاعات تراکنشی کاربران و شرکت‌ها را در اختیار «شاپرک» (به‌عنوان یک شرکت خصوصی وابسته به بانک مرکزی) قرار دهند. اما این خواسته در قانون تجارت الکترونیک، قانون حمایت از داده‌های شخصی و سیاست‌های کلان شورای عالی فضای مجازی، فاقد پشتوانه صریح قانونی است. طبق اصول پذیرفته‌شده حکمرانی داده (data governance) و اصل «data minimization»، هرگونه انتقال داده باید با موافقت آگاهانه کاربر و در چارچوب مصوب قانونی، توسط نهاد صلاحیت‌دار و نظارت‌پذیر انجام شود. شاپرک با ساختار فعلی‌اش، نه یک نهاد قانون‌گذار است، نه یک نهاد نظارتی مستقل؛ بلکه یک پیمانکار با وظایف مشخص در حوزه شبکه پرداخت بانکی است.

دوم اینکه، وزارت ارتباطات به‌عنوان متولی توسعه اقتصاد دیجیتال و تنظیم‌گر زیرساخت‌های داده‌محور، به‌صراحت اعلام می‌کند که هیچ نهادی نمی‌تواند به‌بهانه نظارت مالی، انحصار دسترسی به داده‌های کاربران دیجیتال ایجاد کند. وقتی یک نهاد پولی مثل بانک مرکزی به سکوهای تبادل رم‌زارز – که عمدتاً مبتنی بر فناوری بلاک‌چین، رمزنگاری و معماری غیرمتمرکز هستند- فشار می‌آورد که همه داده‌ها را به یک پلتفرم متمرکز منتقل کنند، عملاً منطق رم‌زارز(Decentralization) را نقض و اعتماد کاربران را تخریب می‌کند و به‌تعبیر دقیق‌تر، خط قرمزهای استقلال داده و رقابت سالم را می‌شکند.

سوم اینکه، وقتی کسب‌وکارها احساس کنند که داده‌های آن‌ها و مشتریان‌شان بدون مبانی غیر حقوقی به یک بازیگر خاص داده می‌شود، به ناچار به بازارهای غیررسمی، صرافی‌های خارجی یا ساختارهای P2P خارج از کنترل داخلی پناه می‌برند. داده‌های مطالعاتی ما در معاونت سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی توسعه فاوا و اقتصاد دیجیتال نشان می‌دهد که بیش از ۶۲درصد تراکنش‌های رم‌زاری کشور، خارج از سکوهای دارای شناسه فعالیت داخلی انجام می‌شود و ۲۵درصد کاربران رم‌زارز در سال ۱۴۰۲ حداقل یک‌بار به‌دلیل ترس از محدودیت‌ها، دارایی خود را به کیف‌پول خارجی منتقل کرده‌اند. اگر این روند تداوم یابد، نه تنها شفافیت از دست می‌رود، بلکه ما در عمل بازار قانون‌گیز ایجاد می‌کنیم، نه بازار قانون‌مند.

❖راه‌حل چیست؟ و آیا وزارت ارتباطات وارد می‌شود؟
ببینید وزارت ارتباطات، به‌ویژه معاونت سیاست‌گذاری اقتصاد دیجیتال، معتقد و مصمم به مداخله سازنده در این مسئله است، ما اول به یک «چارچوب حکمرانی داده‌های رم‌ذارایی» با مشارکت نهادهای ذی‌ربط نیاز داریم. این چارچوب باید مشخص کند چه داده‌هایی مجاز به اشتراک‌گذاری‌اند، با کدام نهاد و با چه شرایطی، از چه درگاه‌هایی مبادله داده شفاف، ثبت‌شده، با چه سطح رمزنگاری و ذخیره‌سازی. برای ما اصل ۲۵ قانون اساسی

مبنای عمل است. تقویت کارگروه اقتصاد دیجیتال برای تدوین «ضوابط تبادل داده‌های رم‌ذارایی» با محوریت بورس اوراق بهادار نیز از جمله اقدامات کلیدی است. البته تصویب منشور «حقوق داده کاربران رم‌زارز» در شورای عالی فضای مجازی با تأکید بر رضایت آگاهانه کاربر، حق انتقال داده و ممنوعیت تجاری‌سازی داده، بدون رضایت نیز ضروری است. واقعیت این است که ما با یک تصمیم ساده فنی یا پولی طرف نیستیم. این موضوع، آزمون بلوغ حکمرانی اقتصاد دیجیتال کشور است. اگر امروز با نگاهی مشارکتی، چندبُعدی و آینده‌نگار وارد نشویم، فردا با اکوسیستم رم‌زاری‌ای مواجه خواهیم شد که نه‌تنها شفاف نیست، بلکه فعالیتش نیز به کشور و قانون اعتمادی ندارند. در وزارت ارتباطات ما صدای فعالان این زیست‌بوم را شنیده‌ایم و با پشتوانه حقوقی و کارشناسی، وارد گفت‌وگو با نهادهای تصمیم‌گیر شده‌ایم. مسئله ما نه مقابله با سایر نهادهای، بلکه دفاع از منطق اقتصاد دیجیتال است. وزارت ارتباطات یک نهاد متخصص است و سعی می‌کند بدون جانبداری این تخصص را به سیاست موثر اقتصاد دیجیتال تبدیل کند.

❖به موجب نظام‌نامه مرکز ملی فضای مجازی درخصوص رم‌زارزها که سال گذشته منتشر شد، رگولاتوری این حوزه میان نهادهای و وزارتخانه‌های متعددی تقسیم شده و این مرکز به‌عنوان یک نهاد بالادستی ابفای نقش می‌کرد. سرنوشت این نظام‌نامه به کجا رسید؟ از نظر معاونت سیاست‌گذاری توسعه اقتصاد دیجیتال، تقسیم وظایف به‌درستی صورت گرفته؟ این نظام‌نامه چه نقاط قوت و ضعفی دارد؟

سؤال بسیار مهمی است. واقعیت این است که نظام‌نامه مرکز ملی فضای مجازی درباره ساماندهی حوزه رم‌زارزها، یکی از اولین تلاش‌های فرابخشی در ایران برای تنظیم حکمرانی این حوزه نوظهور بود. اما همان‌طور که از سرنوشت بسیاری از اسناد بالادستی در حوزه فناوری در ایران می‌دانیم، صرف نگارش یک سند، تضمین اجرای آن نیست. این در شورای عالی فضای مجازی به تصویب رسید و در آن وظایف بانک مرکزی، وزارت اقتصاد، وزارت صمت، وزارت ارتباطات، سازمان بورس و حتی وزارت اطلاعات مشخص شده بود. وظیفه تنظیم مقررات تبادل، استخراج، صدور مجوز و پایش بازار به نهادهای مختلف واگذار شد. مرکز ملی فضای مجازی نیز به‌عنوان نهاد ناظر و هماهنگ‌کننده معرفی شد. اما متأسفانه در عمل، این سند هیچ‌گاه به اجرا نرسید. چون اول از همه نهادهای تخصصی بر صلاحیت مرکز فضای مجازی برای اعمال هماهنگی فراگیر اجماع نکردند که درحال حاضر در معاونت حقوقی ریاست‌جمهوری در مورد آن در حال گفت‌وگو هستیم. سند با برخی اسناد قانونی مانند قانون بانک مرکزی مصوب ۱۴۰۲، تعارض داشت و ضمانت اجرا و سازوکار پایش عملکرد دستگاه‌ها در آن دیده نشده بود. نظام‌نامه

❖سکوهای تبادل رم‌زارز تا امروز مشکلات عدیده‌ای با نحوه مقررات‌گذاری بانک مرکزی داشته‌اند. فعالان این حوزه معتقدند، بانک مرکزی تنها می‌تواند در حوزه رم‌پول سیاست‌گذاری کند. آیا تمرکز تنظیم‌گری در این نهاد قابل دفاع است؟

بگذارید روشن بگویم تجارب تنظیم‌گری جهان نشان می‌دهد، تمرکز رگولاتوری رم‌زارها در بانک مرکزی نه‌تنها غیرکارآمد است، بلکه از نظر حقوقی و اقتصادی یک چالش راهبردی است. طبق قانون بانک مرکزی مصوب ۱۴۰۲، این نهاد فقط در حوزه «رم‌پول» یا همان CBDCصلاحیت دارد، یعنی آن دسته از ارزهای دیجیتال که معادل پول رسمی کشور بوده و تحت کنترل مستقیم دولت منتشر می‌شوند. اما رم‌زارزهای غیرمتمرکز مانند بیت‌کوین، اتر یا استیبل‌کوین‌های خصوصی، نه واجد ویژگی پول ملی هستند، نه تحت انتشار رسمی قرار دارند و نه در چارچوب مکانیسم‌های پولی قرار می‌گیرند. این‌ها به‌تعبیر دقیق، دارایی‌های دیجیتال نوظهور با ویژگی‌های مختلط مالی، فناوریانه، تجاری و سرمایه‌گذاری‌اند. بنابراین تمرکز رگولاتوری این بازار پیچیده و چندوجهی تنها در بانک مرکزی منجر به کاهش کارایی تنظیم‌گری می‌شود، نوآوری را خفه می‌کند و به‌دلیل نگاه صرفاً پولی، ابعاد فناوریانه، امنیتی، بازارمحور و حقوقی آن نادیده گرفته می‌شود.

در اتحادیه اروپا، MiCA قانون بازارهای دارایی‌های رمزنگاری‌شده را یک کنسرسیوم چندنهادی شامل بانک مرکزی اروپا، سازمان بورس، کمیسیون رقابت و کمیسیون مالیاتی اتحادیه تدوین کرده است. این درس بزرگی است. نمونه مشابه آن همین کارگروه اقتصاد دیجیتال است.

❖آیا وزارت ارتباطات باید در سیاست‌گذاری رم‌زارزها نقش داشته باشد؟ اگر بله، در چه جایگاهی و با چه استدلالی؟

وزارت ارتباطات، اگر چه نهاد مالی نیست، اما در سه حوزه کلیدی در سیاست‌گذاری رم‌زارزها نقش حیاتی دارد. رم‌زارز بدون بلاکچین نیست و بلاکچین بدون شبکه‌های ارتباطی، پردازش، مراکز داده و خدمات دیجیتال، صرفاً یک تئوری است. وزارت ارتباطات، متولی مستقیم توسعه زیست‌بوم زیرساخت دیجیتال کشور است.

سکوهای تبادل رم‌زارز، کیف‌پول‌های دیجیتال، پلتفرم‌های دیفای، همگی بخشی از اقتصاد دیجیتال‌اند. وزارت ارتباطات مسئول توسعه این اقتصاد است و باید در تدوین مقررات پشتیبان این فعالیت‌ها سهیم باشد. نگهداری و انتقال رم‌زارزها بدون درک عمیق از سیاست‌های داده، امنیت سایبری و تبادل فرامرزی اطلاعات ممکن نیست. این دقیقاً جایی است که وزارت ارتباطات باید تنظیم‌گری کند. جایگاه وزارت ارتباطات باید سیاست‌گذار مکمل، تسهیل‌گر و توسعه‌محور باشد؛ نه جایگزین بورس اوراق بهادار به‌عنوان متولی، بلکه شریک فکری و ساختاری آن.

❖آیا تمرکز تنظیم‌گری رم‌زارزها در یک نهاد مانند بانک مرکزی آسیب‌زاست؟ اگر بله، این آسیب‌ها کدام‌اند؟

اجازه بدهید چهار نمونه مهم آن را توضیح می‌دهم. بانک مرکزی نهادی پولی است؛ نه فناوریانه، نه امنیتی و نه بازارمحور. وقتی یک نهاد صرفاً با عینک «پول» به پدیده‌ای چندوجهی نگاه می‌کند، نتیجه سیاست‌هایی خواهد بود که با بیش از حد بازدارنده‌اند یا غیرواقعی. در هند دخالت بیش از حد بانک مرکزی (RBI) باعث شد بازار کریپتو برای دو سال کاملاً بلوکه شود تااینکه دیوان عالی آن را در ۲۰۲۰ لغو کرد و متوجه اشتباه مرگبارش برای اقتصاد دیجیتال هند شد. از سوی دیگر وقتی مقررات غیرقابل اجرا یا بی‌ثبات باشند، کسب‌وکارها به زیرزمین می‌روند، بازار غیررسمی رشد می‌کند، کلاهبرداری افزایش می‌یابد و حاکمیت‌مالی تضعیف می‌شود. داده‌ها نشان می‌دهند که ۴۷درصد تراکنش‌های رم‌زارز در ایران در صرافی‌های غیرمجاز یا با IPهای خارجی انجام می‌شود. این یعنی فقدان اعتماد به تنظیم‌گری داخلی. همچنین نبود رگولاتوری فرابخشی، باعث می‌شود شرکت‌های دانش‌بنیان، نیروهای نخبه و سرمایه‌گذاران داخلی ترجیح دهند در کشورهای دیگر مانند امارات، ترکیه یا حتی ارمنستان فعالیت کنند. این یعنی از دست‌رفتن فرصت ملی. در غیاب ساختار فرابخشی، نهادهایی مانند وزارت صمت، وزارت نیرو، سازمان بورس و حتی نهادهای امنیتی، هرکدام مقررات خاص خود را اعمال می‌کنند. نتیجه آن هم مشخص است: سرگردانی فعالان، عدم پیش‌بینی‌پذیری و تضعیف اعتبار حکمرانی.

خلاصه باید بگویم که رم‌زارز فقط یک موضوع پولی نیست؛ این پدیده یک اکوسیستم چندوجهی است شامل زیرساخت فناوری اطلاعات، تنظیم بازار مالی، حقوق دارایی دیجیتال، حکمرانی داده و هویت دیجیتال.

بنابراین راه حل آن است که به‌جای تمرکزگرایی معیوب، یک نظام حکمرانی مشارکتی و چندرکنه در چارچوب کارگروه اقتصاد دیجیتال طراحی شود؛ بادبیرخانه‌ای مستقل، مبتنی بر چارچوبی مانند«MiCA» یا «FATF Virtual Asset Guidelines»، اما بومی‌سازی‌شده با شرایط ایران.

❖تازه‌ترین چالش بین سکوهای تبادل رم‌زارز و بانک مرکزی، به الزام انتقال داده‌های کاربران به شرکت شاپرک برمی‌گردد. کسب‌وکارها این را خلاف قانون می‌دانند. از آنجا که شما مسئول سیاست‌گذاری اقتصاد دیجیتال هستید، نظر شما چیست؟ آیا قصد دخالت یا مداخله‌گری دارید؟

این مسئله صرفاً یک اختلاف فنی میان یک نهاد مالی و چند پلتفرم نیست. آنچه در ظاهر «الزام تبادل اطلاعات با شاپرک» خوانده می‌شود، درواقع نمایانگر یک نقطه شکست در حکمرانی داده، حاکمیت پلتفرمی و تداخل نهادی در اقتصاد دیجیتال ایران است.

امنیت اطلاعات

درباره باگ بانتی واقدامات نویبتکس

جایزه‌ای برای کاشفان باگ

مسئله امنیت اطلاعات کاربران، یکی از مهم‌ترین بخش‌های هر شرکتی است که برای تأمین آن هزینه‌های بسیاری را متقبل می‌شوند. هزینه‌هایی که معمولاً صرف تقویت زیرساخت‌های فنی آن کسب‌وکار می‌شود و به‌گونه‌ای است که از دید کاربران پنهان است. این موضوع همواره مهم است، اما به‌خصوص برای کسب‌وکارهایی اهمیت ویژه دارد که به‌نحوی بخشی از سرمایه کاربران در اختیار آنها قرار گرفته است. یکی از فعالیت‌هایی که کسب‌وکارها در این راستا انجام می‌دهند، دعوت از متخصصان برای یافتن باگ‌های موجود در پلتفرم و اعطای جایزه به یابندگان مشکل است. این جایزه‌ها بسته به اینکه سطح اهمیت مشکلی که شناسایی شده چقدر بوده و این باگ چه ابعادی داشته، متغیر است. این مدل از کشف مشکلات به باگ‌باننتی (مسابقات کشف باگ و آسیب‌پذیری) معروف هستند.

شرکت نویبتکس نیز به‌تازگی گزارشی از مبالغ پرداختی در قالب باگ‌باننتی منتشر کرده است. براساس این گزارش، برنامه باگ‌باننتی نویبتکس از آبان‌ماه ۱۴۰۲ به‌صورت رسمی در دسترس مخاطبان این حوزه قرار گرفته و تاکنون ۲۵۰ میلیون تومان به گزارش‌دهندگان پرداخت کرده است.

نویبتکس به‌عنوان پلتفرم تبادل رم‌زارز، اهمیت ویژه‌ای برای حفظ امنیت اطلاعات و دارایی کاربران قائل بوده است. در این راستا در کنار پایش و بهبود مستمر زیرساخت‌های امنیتی، از متخصصان دعوت کرده تا با ارسال گزارش‌های آسیب‌پذیری به صفحه باگ‌باننتی نویبتکس، به حفظ امنیت اطلاعات و دارایی کاربران نویبتکس یاری رسانند.

باتوجه به ارزش بالای زمان و سطح تخصص متخصصانی که در باگ‌باننتی مشارکت می‌کنند، نویبتکس تلاش کرده با تعریف جوایز متناسب با سطوح مختلف آسیب‌پذیری، فضایی شفاف برای متخصصان این حوزه فراهم کند.

بالترین سطح، آسیب‌پذیری‌های حیاتی هستند که جوایز آنها در محدوده بیش از ۵۰۰ میلیون تومان تعریف شده است. سطوح دیگر به‌ترتیب بحرانی، بالا، متوسط و پایین نامیده می‌شوند که جوایز آنها از سه میلیون تا حداکثر ۳۵۰ میلیون تومان برای سطوح مختلف متغیر است.

پروتکل باگ‌باننتی نویبتکس طی یک‌ونیم سال اخیر، ۱۰۰ گزارش از سوی متخصصان دریافت کرده است که از این تعداد، ۳۰ گزارش تایید شده‌اند. از بین این گزارش‌ها، ۱۸ گزارش مربوط به دامنه نویبتکس، هشت گزارش مربوط به پنل‌های بیزینسی و چهار گزارش مربوط به nobitex.ir و همگی در سطوح غیربحرانی بوده‌اند. این شرکت در مجموع مبلغی معادل ۲۵۰ میلیون تومان به یابندگان باگ‌ها پرداخت کرده است.

اقدامات این چپنیتی و هزینه برای آن، به‌نوعی پیشگیری از هک‌های گسترده است که می‌تواند امنیت اطلاعات و دارایی کاربران را به خطر بیندازد. کسب‌وکارها با دعوت از متخصصان برای یافتن باگ‌ها و پرداخت جوایز در ازای آن، می‌توانند به‌سرعت مشکلات موجود را حل کرده و سیستم امنیتی خود را تقویت کنند. این روش، یکی از روش‌های مرسوم‌ی است که شرکت‌های کوچک و بزرگ در سراسر جهان برای تقویت زیرساخت‌های خود از آن استفاده می‌کنند و همواره جوایز ویژه با ارقام بالایی را برای این مورد در نظر می‌گیرند تا متخصصان، راغب به کنکاش فعال در حوزه چن‌اچین و توکنایزیشن، سازندگان پژوهشگاه ICT، دانشگاه‌ها و مراکز نوآوری، بانک مرکزی و نهادهای ناظر کرده است. هدف این معاونت از این کارگروه، سیاست‌سازی از دل زیست‌بوم است، نه برای زیست‌بوم بدون حضورش. اصل ما این است: آنچه بدون مشورت همه ذی‌نفعان نوشته شود، اجرایی نخواهد شد. چنین زیرساختی می‌تواند هم اعتماد عمومی را بازسازی کند، هم‌نگرانی‌های حاکمیتی را کاهش دهد. ما به‌عنوان سیاست‌گذار اعتراف می‌کنیم که در گذشته کند، پرتردید و محافظه‌کار عمل شده است. اما اکنون راهی جز شتاب در سیاست‌گذاری توسعه‌محور، مشارکتی و نوآورانه وجود ندارد. اصلی که مقام عالی وزارت به تأسی از رهبر انقلاب دنبال کرده‌اند و ما خود را متعهد می‌دانیم، این است که با صراحت از بخش خصوصی مشورت بگیریم، با مسئولیت از حقوق کاربران دفاع کنیم و با شجاعت در برابر تنظیم‌گری بخشی غیرمنطقی و غیرعلمی ضدپیشرفت بایستیم. این تحول، فقط با صدای بلند بخش خصوصی ممکن است و ما در وزارت ارتباطات، گوش شنوایم.

